هفته نامه

نوید

(وابسته به حزب تودهٔ ایران)

سال سوم، شمارهٔ ۳۵، شنبه ۲۵ شهریور ۱۳۵۷

برادر ارتشی، چرا برادرکُشی؟

در روزهای شور انگیز تظاهرات و راه پیمایی میلیونی مردم ایران بکبار دیگر پیوند خلق های ما با ارتش پیوند مردم با افسران و سربازانی که از میان آنها برخاسته اند، در میان گل و گریه و لبخند پیوسته تحکیم کرد. مردم در سیر خود کاخهای ارتشی، افسران ارتش و شهربانی و راهنمایی و سربازان مسلسل به دست را گلباران کردند. آنها را برسر دست گرفتند، به گونه هایشان بوسه زدند و با صد هزار گلوی بغض کرده فریاد کشیدند: "برادر ارتشی، چرا برادرکشی؟"

در این پیام نگان دهندهٔ طی نیرو و شکوه و حقیقتی بود که بسیاری از نظامیان شریف را که در دستهای خونین استبداد سلطنتی آنها را در برابر مردم ضبط آزادی و تشنهٔ حق و عدالت قرار داده است، به گریه وا داشت. دهها افسر و سرباز شریف و میهن پرست، اسلحه شان را رها کردند و به میان عناصر کنندگان آمدند. و صحنهٔ میدان ۲۴ اسفند کاخ سپهبد پرست و آگاهی ستاره های خود را کند و نثار مردم کرد. در گوشه و کنار شهر قیام کرده به شکل های مختلف، جلوه کرد. چنین بود که مردم با شور و عشق و شادی شعارهای تازه ای آوردند:

- ارتش به ما ملحق شو...

و همه انتظار داشتند مردی خود را در این شعار و دعوت فریاد کشید:

- برادر ارتشی، پیوند ما مبارک...

در جریان تظاهرات و راه پیمایی عظیم عید فطر روز پنجشنبه پس از آن، ارتش و مردم بسوی هم رفتند. بار دیگر در کوچه و خیابان یک بار چون دو نیمه از یک وجود، چون ریشه و شاخه های یک درخت کشف کردند. آنها به میان دیدند که هیچ دیواری جز استبداد و دیکتاتوری ازهم جدایشان نمی کند. ارتش دید که خواست و آرزوی شریف و معصومانه مردم آزادی و عدالت است و مردم دریافتند که قلب بخش بزرگی از ارتش با آنها می تپد. این کشف و رود دوبارهٔ ناقوس سپهگینی را در گوش استبداد سلطنتی و شرکا و حامیان امپریالیست آن به صدا در آورد. برای رژیمی که در میان مردم پایگاهی ندارد، از دست دادن ارتش به منزله سقوط و نابودی قوی و حتمی است. چنین بود که توطئهٔ جمعه خونین پی ریزی شد، تا پیوندی را که با گل لبخند بین مردم و ارتش پدید آمده بود، با خون و گلوله پاره کنند و ارتش و خلق را بار دیگر در برابر هم قرار دهند. اما در آن روز پیوند مقدس خلق با برادران نظامی اش در میان دود و باروت و جوی های خون به شکل دیگر بروز کرد. دهها سرباز و افسر از فرمان شهربانی کردن مردم سر باز زدند. تعدادی از سربازان پاک و دلیر دلوله تفنگ هایشان را به سوی فرماندهان ضد خلقی شان برگرداندند و سینهٔ به قلب خود آتش گشودند. بسیاری از پاسبان ها و سربازان و افسران به جای سینه مردم، به سوی آسمان شلیک کردند. اما ارتجاع و سیه بازو دغل، که از همبستگی و پیوند درونی خلق و ارتش هراس داشت، پیش بینی های لازم را کرده بود. در روز جمعه خونین شهران عدهٔ زیادی از سفاک ترین اوباشان درخیمان و شکنجه گران ساواک و شهربانی را لباس سربازی پوشاندند و در پشت صف ارتشیان گماشتند. هم اینان بودند که با یورش در منطقهٔ خود زنان و مردان و کودکان بی گناه را به خاک و خون کشیدند و سربازان و افسرانی را نیز که به طرفداری از مردم طغیان کرده بود، تا به رگبار گلوله بستند. هم اینان بودند که در کوچه ها و خیابان ها دیوانه وار به سوی هر در نیمه باز، هر پنجره، هر ماشین ناشناسی شلیک کردند. هم اینان بودند که به یاری نظامیان فاسد ضد خلقی و سرسپرده استبداد، جوی های خون به راه انداختند و هزاران آزاد بخواه و میهن پرست را سلاخی کردند تا ارتش را در انظار توده ها لکه دار سازند و سنت پیوند و گل و اتحاد را ویران کنند. و در این راه کاری بلند و اهریمنی تا حدی هم موفق شدند. شهدای خلق در روز جمعه خونین شهران در حالی که در خون خود دست و پا می زدند، با حیرت و ناباوری خطاب به سربازان مسلسل به دست بانگ می زدند: "برادر، مایه تو گل شدیم، تو به ما گلوله؟" و با همین تعجب و حسرت جان می سپردند. در حالی که سؤال بزرگشان را چون آتشفشانی به بروز و جدان بیدار افسران و درجه داران و سربازان خواننده باقر می گذاشتند.

سربازان، درجه داران و افسران میهن پرست!

در حالی که میهن ما حساس ترین لحظات تاریخ خود را میگذراند و جنبش انقلابی کشور ما با جانبازی بی سابقه جوانان مردم، از کارگر و دهقان و روشنفکر گرفته تا پیشه ور و بازاری و سرمایه دار ملی، پایه های رژیم ضد ملی و استبدادی شاه را به لرزه در آورده است، تشبث مسلسل ها و تانک هایی که شاه به میدان چند برابر قدرت اصلی، مایهٔ ننگ به خون مردم و ثروت اصلی ایران است، مزید به دست شما سپرده، تا کنون توانسته است از فروریزی این کاخ ستم جلوگیری کند و آنرا از قهر مردم به جان آمده و رزمنده میهن ما، که برادران و خواهران و پدران و مادران شما هستند، در امان نگهدارد.

از این رویست که در این لحظهٔ حساس تاریخ میهن ما، مسئولیت بسیار سنگینی بر دوش شما فرزندان خلق که در نیروهای مسلح کشور خدمت می کنید قرار گرفته است. رژیم کوشیده و می کوشد با اعدام و زندان و تعقیب ارتشیان میهن پرست و آزاد بخواه، ارتش را از مردم جدا سازد و در برابر آنان قرار دهد. اگر مردم قهرمان ما رژیم کنونی را هنوز نتوانسته اند مانند بسیاری از خلق های کشورهای دیگر جهان روی آزادی را ببینند و جنگها و خون آلود دندان امپریالیستی و

دنباله در صفحه ۲

وظایف طبقهٔ کارگر

در مرحلهٔ جدید اوج گیری جنبش انقلابی ایران

حوادث هفته های اخیر ایران که سرانجام به کودتای خونین شاه علیه مردم بیسرحد، درکنار آموزش ها و تجربیات گرانبهایی که بسرای جنبش انقلابی ایران به بار آورد، ارد بدگاه طبقه کارگر ایران یاد آوری هیجده مورد اساسی و حاوی درس های عملی بسیار ارزشمند دارد. ما جنبش را از این مراحل می گذاریم و می کوشیم دست آوردهای جنبش دموکراتیک مردم ایران که با کودتای جنایت آمیز شاه وارد مرحله تازه ای شده است، برای هیچ قشر و طبقه ای به اندازهٔ کارگران برحاصل آموزنده نیست، به همین لحاظ بررسی و شناخت جنبه های مختلف این جنبش گسترده توده ای، ضعف ها و قدرت های آن، نقشی که کارگران در این جنبش داشتند و نقشی که باید داشته باشند، از نقطه نظر مصالح نهایی انقلاب ایران بیشترین اثر جنبش و تحمیز و تقویت آن، به صورت ضرورت حیاتی در می آید. به بیان است آنچه در این بررسی، منافع و مصالح طبقه کارگر بود گاه این طبقه خوانده می شود، مصالح و منافع تمامی جنبش را - تا آخرین مرزهای آرمانی آن، در بر می گیرد و تنها به بخشی از جنبش توجه ندارد. برعکس ما بر آنیم که سرنوشت طبقه کارگر ایران با جنبش ملی و دموکراتیک خلق های ما کاملا خروش بسیار بسته ای یافته است، به هم گره خورده و هرگامی که در جهت آگاهی و تجهیز طبقه کارگر بیسازماندهی انقلابی آن و فعال کردن پیکر میدان راندن هرچه بیشتر اقشار و عناصر این طبقه و تمرکز و تراکم کارگران در حزب پیشتاز و مستقل طبقاتی آنها انجام گیرد، نیروی حیاتی و امکانات بر شری است که در اختیار جنبش انقلابی میهن ما که خصلت ملی و دموکراتیک دارد، گذاشته می شود. صحت این نظر به ویژه وقتی بیشتر آشکار می شود که به یاد سپاریم صرف نظر از نقش پیشرو خصلت انقلابی بالقوه کارگران، طبقه کارگر ایران در حال حاضر از نظر یک شش میلیون جمعیت، بزرگترین نیروی اجتماعی و طبقاتی ایران است. این نیرو کمی، با روند پیشرفت جامعه و توسعه مناسبات تولید و رسال های اخیره دست آمده و در چشم انداز آینده نیز همه شواهد، حکایت از تراکم و افزایش تعداد کارگران ایران می کند. اینجا سخن باید تاکید کنیم برای یک دگرگونی صحیحاً دموکراتیک و عملاً ملی که بتواند بر هر کارشکنی، سازشکاری و محافظه کاری فشری، گروهی و جناحی ماقبل آید، و امواج های جنبش را بیشتر از پیش گسترش دهد و استحکام درونی آنرا تضمین کند، پیام خونین این انقلاب و آموزگار سترگ درخشنده روشنی در برابر ماست: "بدون طبقه کارگر تمام بسیجهای عالم ناقص ند رشد، حقیقتاً ناقص ند رشد."

مشخص ترین درس عملی کارگران ایران از جنبش انقلابی روزهای اخیر این بود که با اولین مشت های محکمی که به دیوار استبداد فرو کوفته شد و با نخستین عقب نشینی های حزبی حکومت بلیسی و آزادی کش شاه، امواج اعتصابات کارگری در شهرها و به ویژه در مناطق تمرکز صنعتی، کارخانه ها را فرا گرفت. شهدای رضی یک هفته ده ها اعتصاب پرشور و بزرگ، و کوچک، کارگری سازمان یافت که با بهره گیری هوشمندانه از اوضاع و احوال سیاسی کشور، اکثر آنها به پیروزی کامل یا نسبی انجامید. از آن جمله بود اعتصاب ۷۰ کارگر کارخانه ترانسفورماتور (واقع در جاده قم، سه راه پالایشگاه)، اعتصاب ۱۵۰۰ کارگر قطعه سازی پارس (هفت تپه)، اعتصاب ۲۰۰۰ کارگر ماشین سازی تبریز، اعتصاب ۳۷۰۰ کارگر و شرکت بزرگ "تامتر" و بلور" و "تهران جنوب" اهواز که در حال انجام برنامه مونتاژ اسکلت فلزی و کوره های بزرگ مجتمع صنایع فولاد هستند، اعتصاب کارگران سازمان آب منطقه ای فارس، اعتصاب ۱۸۰۰ کارگر جیپ سازی بهشهر، اعتصاب کارگران کارخانه کونی بافی بهشهر، به پشتیبانی از کارگران اعتصابی جیپ سازی، اعتصاب ۴۰۰ کارگر شرکت صنایع البرز، اعتصاب ۲ هزار نفر از کارگران و کارمندان ماشین سازی اراک (کارگران ماشین سازی اراک در طی چند روز دچار دست به اعتصاب یکپارچه زدند)، اعتصاب ۵۵۰ نفر از کارگران شرکت آب منطقه ای مشهد، اعتصاب کارگران تأسیسات تصفیه نیشکر (هفت تپه)، اعتصاب ۱۰۰۰ کارگر مجتمع سیمان دزود، اعتصاب ۳۷۰ کارگر ۳ شرکت "مانا" و "پاشیمان" و ماشین سازی پارس در اهواز که در مجتمع فولاد پهلوی اشتغال دارند، اعتصاب کارگران تراکتور سازی تبریز، اعتصاب ۱۵۰ کارگر قسمت بود شهربار در اهواز... و ده ها اعتصاب کوچک دیگر در سراسر کشور...

کارگران ایران که در شرایط استثمار خشونت آمیز حکومت بیسیاسی و استبدادی در پاسخ هر حرکت و خواست صنفی و اقتصادی و سیاسی، تنها گلوله و داغ و درفش و زندان و بیکاری دریافت می داشتند،

دنباله در صفحه ۲

سیرک دموکراسی در مجلس شه فرموده

سیرک دموکراسی که به همت "پاه - ساواک" هفته گذشته در مجلس مرمایشی به راه افتاد، صحنهٔ دیگری از نهایت واقعیت و بیاکاری رژیم را نمایش داد که در دریای خون میهن پرستان و مشتاقان آزادی و عدالت غوطه می خورد. همه احسنت گویان حرفه ای و به به و چه چه زنندگان درگاه استبداد، دلگیران یک شبه شد علیه طرفداران سیمهای دل و دین باختهٔ آزادی و مردم و شد و فریاد واحسنتهای آنها به گوش ملک رسید که میهن از دست رفت، مردم ذله شده اند، ایران غارت شد، فساد و دزدی و خیانت تا عرش اعلی رسیده، ولا بن و بهمان... آن یک نمایندهٔ شریف و ویژه دارای که در واقع تصادفاً به مجلس رسیده خیزی راه یافته، باید از این گروه کرکسان سیاسی ستایش کرد - دلقک های سیاسی که طی سالهای چرکین خفقان و اختناق نه بسا رأی مردم، بلکه با اصلاح اند بشی ساواک به مجلس به اصطلاح رسته اخیر راه یافته اند تا در پای همهٔ هوسهای دیکتاتور توجه امپریالیسم شهرمرد رامزنند - با این معرکه گیری های بی مایه، در واقع بیکار بر مردم بر اشخص کردند. چه تحقیری بالاتر از این که مردم را آن قدر ساده لوح و فاقد قوهٔ تشخیص بپندارند که طحلبی های استبداد و ارباب ساک میهن پرستی و آزادیخواهی به فریب آنان کمارند و فراموش کردند که همین یکهفته پیش مردم با پاسخ پنجاه و اندی سال فریب و صحنه سازی را با خون گرانی ترین عزیزان خود و در خروش رسوا کنندهٔ سلیمانی ظاهر کنند، به همان آمده از خود کامگی دادند. در حالی که سیرک دموکراسی در مجلس شه فرموده با شلنگ تخته اند اختن و خوش رقصی نمایندگان رسمی ساواک و در نطق های غرای آزاد بیخواهانه نمایش داده می شد، روزنامه ها زیر تند بدترین سانسور - این با رسانسور نظامی - در چارچوب تنگی بود تا "آزاد بیخواهان وابسته دسته به سلولها و شکنجه گاههای ساواک منتقل می کردند. سران واحدهای موثر سازمان ها و احزاب قانونی و ملی را تعقیب می نمودند، در کوچه ها و خیابان ها مردم را شکار می کردند، زیر سایه تانک ها و زرهپوشها نظم مسخوس شاه خائن را به زور گلوله و سرنیزه بر قرار می کردند - نمایندگان و منشاء گران دیداری در این فضای لبریز از تحمیل و روح همهٔ گناهها و جنایات ۵۰ ساله را از گرده شاه برداشتند و بر دوش چند وزیر و مدیر کل و رئیس اداره گذاشتند. این کله های پر که سرشان را زیر پرک های استبداد فرو کرده اند و در توهم آنند که مردم هم چیزی را نمی بینند و نمی شنوند، در پاسخ میلیون ها ایرانی سند بده و طغیان کرده که شاه و رژیم جنایتکار گند بدهٔ اوست و مسئول همه نابسامانیها و تبه کاریها و غارت ها و خونریزی هایی دانند، چه دارند بگویند؟ کیست که نداند در این سالهای سیاه و نکبت، از تخمیر رئیس ادارهٔ محل احوال گرفته تا عامل نصب نخست وزیر، از خرید سیب زمینی و پیاز از خارج تا خرید هلیکوپتر هادلاری اسلحه امریکایی و انگلیسی و آلمانی و فرانسوی، جز با دستور و تصویب مستقیم شاه همه کاره و نابغه! انجام نشده! حزب های انقلابی مردم و طیور ایران نوین و سرانجام حزب ساواکی به اصطلاح مراکز روستا حیز به دستور چه کسی به وجود آمد؟ تقویم ایران برمبنای سال شمسی هجری به دستور چه فرمان کسی چه کسی عوض شد؟ نخست وزیر، وزیران و وکیلان را چه کسی آورد و برد؟ فرمان های مشمتح و حلق الساعه درباره همه چیز و همه کس از طرف چه مقامی صادر شد؟ پای حکم اعدام میهن پرستان و آزاد بخواهان واطنی سالهای مدید تبه کاری، چه کسی امضا کرد؟ قارچ خانه ها و کازینوها و هنرکده های محلل سراسر کشور به کسی تعلق دارد؟ سهام دار و صاحب هزاران موسسه و بانک و کارخانه و هتل و مثل سنگ سود در سراسر ایران - وحتی جهان - بیشترین سرمایه دار و ثروتمند ایران و دنیا چه کسی است؟ آری، اگر قرار باشد یک به یک سیاهه این لیست اعتبار آمیز! آریامهری نوشته یا تکرار شود، مثنوی هفتاد من کاغذ شود. این ترجیع بند جنایت و غارت احتیاج به تکرار دارد، مردم را نمی توان فریفت و آن شعبده گران عامی که حزب مکوبی کند، در واقع خود را می فریبند. آنها در مجلس مبهوم ساواکی به فرصت و محلول ها حمله کردند، تا به گمان خود ذهن مردم را از اوضاع محلل بدبختی ها، از سرچشمه و منشاء عقب ماندگی ها و میلیاردها دزدی و دور کند، اما مردم رأی قاطع و صریح خود را هفته گذشته دادند، سه میلیون علامتگذار به نمایندگی آن طرف سی و چند میلیون ایرانی شاه زده، با مشت های گره کرده و محتم و کوبی انباشته شده در طی ۳۷ سال جمعه شب بازی و پوچ بازار فریاد زدند و درفش و چوبه های اعدام، فریاد کشیدند: "ما ملت بیدار یم - ما شاه نمی خواهیم"، "مرگ شاه خائن - نهضت ادامه دارد"، "مرگ بر این سلسلهٔ پهلوی"...

آیا این فرمان کشاری و پوشکستگی نمایندگی معرف هایی نظیر آنچه ساواک در هفته گذشته در مجلس نصب شده کارگردانی کرد نبود؟

در این باغ ساواک ساخته، مزدوران و دلقکان درباری به خیال خود برمارکسیست ها تاختند و تمام چرکی و تعفن دهان و مغز غلطیده پوسیده خود را به صورت تهمت های همیشگی علیه حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران و پیشتاز جنبش ملی و دموکراتیک خلق های ایران، بیرون ریختند. اما نتیجه پاسخ مایه این فروشگاه چنین است: هرچه می خواهید و تا آنجا که می توانید برما بتازید، زیرا این خود به گونه ای سند اعتبار ما در میان مردم پاست و اگر جز این می کردید، تنها موجب سرافکندگی ما می شد.

www.iran-archive.com

با اعتصاب عمومی سراسری کودتای نظامی شاه را خنثی کنیم!

درحاشیهٔ کودتای خونین شاه علیه مردم

● توطئه کودتای شاه علیه مردم که با قتل عام هزاران زن و مرد و کودک در کوچه ها و خیابان های تهران آغاز شد، در کاخ سفید واشنگتن و زیر نظر مستقیم کارتر، این مدافع پرپا کارحقوق بشر طرحی گردید. چند روز پیش از هجوم خونین شاه به مردم، ارد شیر زاهدی که کودتا گری علیه مردم ایران در خاندان اوبه صورت میراثی در آمده است، در ساعت ازنیمه شب گذشته به اتفاق یکی از شخصیت های مهم کاخ سفید واشنگتن در اعتصای کامل وارد تهران شد. تمامی کوشش ها و اقدامات احتیاطی به کاربرده شد تاهویت همراه آمریکایی زاهدی فاش نشود.

وقتی کودتای جنایتکارانه با براه انداختن دریایی ازخون انجام شد، کارتر باشعف فراوان بیانیه صادرنمود کودتای جنایتکارانه "حمعیت خونین برای شاه برستاد کشتن آن نیز باکمال وقاحت در روزی نامه های زیر سانسور رژیم چاپ شد. کارتر در این پیام حمایت کامل خود را از کودتا و شخص شاه به عنوان بهترین توجیه و قلاع وارهٔ امپریالیسم بانکی در منطقه اعلام داشت.

● در روزهای پس از کودتای خونین برهبری ضد انقلابی جمشید ماقولیستی در روزنامهٔ ارگان خود به حمایت ازشاه کودتاگر پرسکو پ جنبش ملی و دموکراتیک مردم ایران قلم فرسایی کرد و روزی نامه های گوسفندی ایران با شعف فراوان از آن یاد کردند.

● در اوایل هفته گذشته کابینه اسرائیل جلسه فوق العاده ای برای بررسی اوضاع ایران تشکیل داد. صهیونیست های اسرائیل از آن بیم دارند که رژیم وابسته به امپریالیسم شاه سرنگون شود و ایران دژ صف کشورهای ضد امپریالیستی وضد صهیونیستی قرارگیرد و به پشتیبانی از آرمان های حق طلبانه اعراب از ادامه ارسال نفت ایران به اسرائیل که ماشین جنگی و تجاوز کاران رابه حرکت در می آورد جلوگیری کند.

● درحالی که هنوز تعداد دقیق شهدای جمعهٔ خونین تهران مشخص نیست، گزارش های رسیده حاکی است که تاصبح نخستین هفته گذشته بیش از سه هزار جوان در این اجساد شهدا در گورستان بهشت زهرا صادر شده است واین درحالی است که هنوز اجساد تازه ای به این گورستان آورده می شود. احصا دکسانی که به دست کودتاگران مجروح شده بودند بسیاری از آنها تنها از ناحیه پا و یا سینه مورد اصابت گلوله دژخیمان قرارگرفته بودند ولی از آنجائی که آن ملکان شاه پرست خون به آنها بند ایشان در بیمارستان ها جلوگیری کرده اند، در اثر خونریزی شدید جان سپرده اند.

گزارش ها حاکی است که در روز جمعه خونین به دنبال گلوله باران وحشیانه مردم، در بسیاری نقاط بلوک ورها اجساد شهدا را از خیابان ها جمع کرده و در کامیون ها ریخته وجلادان آن ها را، که احتمالا اجساد نیمه جان نیز در میان آنها کم نبود مانند به بیابان های حصارک و شهریار برده و در گودهای عمیق مدفون کرده اند.

● در طول هفته گذشته اجساد دهها سرباز و افسر شهید راکه از فرمان دژخیمان در مورد تیراندازی به مردم سرپیچی کرده بود ند و با علیه جنایات و سفاکی های رژیم در پادگان ها دست به طغیان زده بود ند و دلاورانه در کنار مردم برای مردم جان باخته بود ند به بهشت زهرا آوردند. سه تن از آنان سربازان "گارد شاهنشاهی" بود ند که از پادگان گریخته بود ند تابه مردم بپیوندند و هنگامی که درمحاصره مزدوران قرارگرفته بود ند تاآخرین مشتی جنگیدند و بود نسد وسرانجام دوتن از آنها در جریان این نبرد نابرابر شهید شده بود ند و نفر سوم توسط دژخیمان تیرباران شده بود.

تصحیح و پوزش

متأسفانه در پاره ای از نسخه های شمارهٔ گذشته نوید اشتباهی رخ داده که بدین وسیله تصحیح کرده و ازخوانندگان پوزش می خواهیم. درصفحهٔ دوم شمارهٔ گذشته (ستون اول) عبارات زیر درست است:

"... این رهبران پای بست کردند. بعضی از آنها تنی چند از طلبه تحطیل عمومی وراه پیمایی اعتراضی روز پنجشنبه راکه برای بزرگداشت خاطره شهدای هفته های اخیرتهران واعتراض به سفاکی های رژیم شاه انجام می شد به طور مستقیم یا تلویحی رد کردند و هرنوع تظاهری رابه آینده بدون تاریخ موکول نمود ند و برخی دیگر تنی چند از رهبران سیاسی - برنامه قبلی خود راتعدیل کردند و با حذف راه پیمایی برنامه عزاداری و تظاهرات اعتراضی رابه اجتماع در مساجد محدود ساختند."

برادر ارتشی، چرا...؟

ارتجاع سیاه شاهنشاهی رابدون خود دیرکنند، تاحدود بسیار زیادی نتیجه سوء استفاده های است که ارتجاع ازارتش وقدرت نیروهای مسلح می کند. اما اگر شما، افسران و درجه داران وسربازان میهن پرست، از اجرای وظیفه ننگینی که رژیم بر عهده شما گذاشته خود داری ورزید، آتش خشم وناخشنودی بیکارحو یانه مردم، تاج بر تخت استبداد سلطنتی وغارتگری شاه را درهم خواهد کوفت و بساط رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک رابرخواهد چید.

سربازان، درجه داران وافسران شرافتمند!

کمیته مرکزی حزب توده ایران درپیام خود به مردم ایران از جمله شمارا مراخطاب قرارداده است که:

"هرگز فراموش نکنید که بخشی از مردم ایران هستید. رژیمی می خواهد شمارابه سرکوب کنندهٔ جنبش مردم که در راه استقلال وآزادی نبرد می کنند، بدل نماید. دستور دژخیمانه شاه وبدکردار رژیم را برای تیراندازی به برادران وخواهران خود اجرا نکنید! به صفوف مردم بپیوندید واز شعارهای مردم باتمام نیرو مدافعه نمائید!

بگذارید نام نیروهای مسلح ایران در لوحهٔ پر افتخارارتش های هوادار استقلال وآزادی و پیشرفت اجتماعی ثبت گردد!

تئاتر

سوگند سوگواران در بهشت زهرا

پنجشنبه گذشته که مصادف باشب هفت شهدای جمعهٔ خونین تهران بود، درحدود ۲۰ هزارتن ازاهالی خانواده و وابستگان شهدا در گورستان بهشت زهرا دست به تظاهرات چند ساعتهٔ پرشوری زدند. در وجود این سوگواران گویی اندوه به نیرو بدل شده بود و این نیروی خشم و کین درشعارهای ضد رژیم شاه، درامضای جنایات دیکتاتور خون آشام وشرکت آزادی و خلق های ایران، در مستحکم کردن رژیم ایران برپاداده و نوکر امپریالیسم "شکوهاش شد. باوجود آن که گورستان بهشت زهرا در محاصره کامل نیروهای ارتش بود، برخوردی بین تظاهرکنندگان ونظامیان رخ نداد.

تظاهرکنندگان جسد سرباز شهیدی را روی دست می بردند وبا شعار "برادر ارتشی شهیدراه حق شد"، "درود به سربازشهید" از فرزند شهید مردم که بالباس سربازی به صف مردم پیوست وجان خود رابه حلق خویش ایثار نمود، تحلیل می کردند.

بسیاری از مزدوران ضد ضد خلقی که از دست رفته خود را کسبه پنهانی و در گوشه ها دسته جمعی دفن شده بودند، نیافتند، بسیاری برای تحویل جسد های عرفه در خوبیه سوراخ سوراخ شده فرزند ان و پدران و مادران خود درازای هرگلوله ... تومان به جلادان پرداخته بود ند. بسیاری برگورهای تازه ماتم جمعیت نشسته وحتی قطره اشکی برای فرو ریختن در چشم های ماتم زده خویش نمی یافتند. در شب سوم شهدا، روزهای دیگر نیز خانه های از سوگواران در بهشت زهرا تظاهرات مشابهی برپا داشتند. آنها در میان هق هق گریه و شیون وزاری زنان به خون شهدای خود سوگند می خوردند که راه مقدس آنها را ادامه دهند.

وظایف طبقهٔ کارگر...

کارگران که تنها ران شدن وخشانه رفقای خود را درجریان اعتصاب با شکوه همه کارخانهٔ جهان چیت، کارخانه های نساجی شاهی، کارخانه چیت تهران و کارگران کوره پزخانه ودهها مثال به بگونه عیان دیده بودند، این بارکه خشم ملی ودموکراتیک مردم، حکومت مطلقه را دچار هزیمت ساخته وبه دست وپا انداخته بود، میدان وسیعی برای مبارزات وفعالیت های خود یافتند و اثرات آزادی های سیاسی - حتی درکم رنگ ترین جلوه ها و در مرزهای محدود آن - بروی رشد کی خود وفعالیت های صنفی واقتصادی - وگاه حتی سیاسی - خویش و در پیروزی اعتصابات وحرکت های کارگری، باگوشت وپوست خود احساس کردند. آنها به ثمره پی بردند که مبارزه در راه حراست های صنفی و اقتصادی طبقه کارگر، از مبارزه در راه آزادی های سیاسی حد اکثر این حکم را عینا نیز یک بار دیگر باوضوح شگرف صحت خود رابه اثبات رساند که:

"طبقه کارگرزیر تسلط سلطنت مطلقه نمی تواند مبارزه خود را در جبهه گسترده ای تکامل بخشد. طبقه کارگر نمی تواند مواضع محکمی نه در زمینه اقتصادی ونه در زمینه سیاسی به دست آورد. طبقه کارگرنمی تواند سازمان های توده ای استواری ایجاد کند و دربرابر همه زحمتکشان پرچم انقلاب اجتماعی رابه اهتزاز در آورد. طبقه کارگرنمی تواند به توده ها بیاموزد که برای انقلاب مبارزه کنند. فقط در شرایط آزادی سیاسی است که مبارزه قاطع تمام طبقه کارگربرضد بورژوازی امکان پذیر است و هدف نهایی مبارزه هم آن است که پرولتاریا قدرت سیاسی رابه دست آورد و جامعه سوسیالیستی را برقرارسازد."

(کلیات آثار، جلد چهارم، ص ۲۵۹ چاپ ۵۸ ۱۹)

این که بازشدن فضای سیاسی وتقویت آزادی های دموکراتیک برای خنثی کارگری حکم آب وهوا دارد، بایدبه این سؤال هم منجر شود که کارگران به حکم منافع ومصالح خود ناگزیرند باهر حرکت وحربه دموکراتیک که به ستیز با مظاهر استبداد سلطنتی واختناق سیاسی برمی خیزد، بیامیزند و در آن حل شوند. بایدبه این تصویر غلط رابسته وجود آورد که کارگران مجبورند به اتاله روسپیاه هرحزب و دسته ای که مخالف نظام سلطنت مطلقه ودیکتاتوری است، شوند. برعکس تمامی اجزاء وسازمان ها وارگان های بورژوایی وخرده بورژوایی که درشرایط امروز ایران بانام های وشعارها واهداف سیاسی مختلف به نبرد با دیکتاتوری واستبداد خشونت، خواستارلغو و انحلال سلطه سرمایه داری، محو کامل استثمار و ستم طبقاتی، ایجاد بورس فراجنبه حقوقات کارمزدوری وسیستم مارکس" اصامه ارزش" هستند. آنها در

راه های سیاسی خود را که ازاینک سمت باید معطوف به مبارزه در راه آزادی های سیاسی برای فراهم آوردن زمینه هاوشرایط مساعد مبارزات صنفی واقتصادی گردد، به طور مستقل وحد اکثر بگرطبقاتو اعتراضاتی سامان دهند. کارگران دریکی دوهفته اخیربا تجربه شخصی خود پی بردند که مبارزهٔ صنفی و مبارزه سیاسی آنها، دو روی یک سکه است. این آزمونی بود کهاصحاب تجربهٔ روزهای اخیروسودمند و واقعی تر از آب در آمد. امانتیجه این آگاهی که تشکل کارگران را در آن حزب سیاسی وطبقاتی که به جهان بینی علمی سوسیالیستی مجهز است و در عین مبارزه در راه آزادی سیاسی طبقه کارگرو دیگر طبقات اجتماعی، در راه آزادی واقعی وهمیشگی کارگرار هرگونه بردگی، آزادی ازهرنوع ستم، آزادی ازهرنوع استثمار نیز پیش می اندیشد می رسد، الزام آورمی کند. حزب توده ایران باپشتوانه ۳۷ سال رزم پر وقفه در امر پیشبرد جنبش کارگری و تحقق آرمانهای والا و نجات بخش این طبقه که رسالتی تاریخی به عهده دارد، وظیفه ای راکه همواره در برابر خود قرارداده، مبارزات ارزهبری مبارزهٔ طبقاتی کارگران، سازماندهی این مبارزه در هرمرحله وشکل آن، بعضی هم در شکل سوسیالیستی (مبارزه برای برانداختن نظام طبقاتی استثماری وبنای جامعه سوسیالیستی) وهم در شکل دموکراتیک آن (مبارزه علیه سلطنت مطلقه برای به دست آوردن آزادیهای سیاسی، دموکراتیزه کردن نظام سیاسی واجتماعی) وهمواره برابرس عقیده بوده است که تمایز کردن کارگران ازدیگر طبقات واقشارمبارزدموکرات ومخالف سلطنت مطلقه، واعتراضی اصل استقلال سازمان های کارگری از دیگرسازمان های سیاسی، به معنی کاهش نیروی حیاتی و قدرت تهاجمی جنبش عمومی خلق که در حال حاضر باتمام توان خود به دژ های مرصود استبداد و قدرت مطلقه می تازد، نیست، برعکس، این تمایز واعتبار در مستقل بودن سازمان وحزب سیاسی طبقه کارگر باعث استحکام و استحکام درونی جنبش و توسعهٔ میدان مانور وحرکت آن می شود، چراکه به گفته پیشوای کبیر اکتبر:

"فقط مبارزاتی نیرومند ند که روی صنایع واقعی درطبقه شده طبقات معین تکیه کنند، هرگونه پرده کشیدن به روی این صنایع طبقاتی که در جامعه امروزی نقش عمده را ایفامی کند، فقط به تضعیف نیروی مبارزاتی خواهد انجامید."

بر شالوده این برداشت است که حزب توده ای ما که درجنبش افتخارآمیز طبقه کارگرایران را پرورش داده وبه مبارزان و عناصر آگاه طبقه کارگر توصیه می کند:

برای پیشبرد قاطع امرطبقه کارگروجنبش انقلابی و گسترده خلق های ایران در این برهه تاریخی حساس، در هرکارخانه و هرکارگاه و محل های توده ای تشکیل دهید وبا ما یابا مرکز حزب تماس بگیرید!

خطاب به کارگران مبارزایران که درتلاطم های سیاسی روزهای اخیربسیاری از آنان آماج گلوله های جانیان وددژخیمان رژیم مستبد رمضانشاهی قرارگرفتند، اینست:

سازمان های صنفی واقعی خود را احیاء کنید، سندیکاهای کارگری را درهرکارخانه وهرکارگاه، به هسته های محکم مقاومت به سنگرکارو کارگربدل سازید و آنهارا از جنگل آبادی استبداد بیرون بیاورید، درصورت وقوع یاری آگاه ترین و مبارزترین عناصرکارگری، سازمان های صنفی تشکیل دهید وسازمان صنفی ومحل اجتماع کارگری راسازمان دهید و بامبارزات کنید زایی مبارزات ارمحدود فعالیت کارخانه به یک رشته تولیدی وازیک رشته تولید دی به تمام رشته ها، پایه های جنبش کارگری راکه رویه خروش واعتلای تازه است، مستحکم تر سازید و در زیر درفش حزب خود، حزب توده ایران، در پیشاپیش جنبش عمومی ملی و دموکراتیک ایران گام بردارید!

وظایف طبقهٔ کارگر...

"عمده پرولتاریاست که می تواند پیشگام رامآرادانقلابی بدگرگونی های دموکراتیک باشد، زیرا اولا بازسازمان سنگرگی سیاسی، در زندگی پرولتاریا ازهمه شدیدتر است و این سنگرگی مانع آستگی در وضع این طبقه که نه به مقامات خانه وحشی به مأموران دولتی دسترسی وسیع و در اعتکارعمومی نمودی دارد، کوچکترین بهبودی بدست آید. ثانیاهفظ پرولتاریاست که می تواند دموکراتیزه شدن نظام سیاسی واجتماعی رابه فرجام برساند، زیرا دموکراتیزه شدن این نظام موجب خواهد شد که این نظام به دست کارگران افتد. به همین جهت در آمیزی فعالیت دموکراتیک طبقه کارگر با دموکراتیسم طبقات و گروه های دیگر، نیروی جنبش دموکراتیک و مبارزه سیاسی را تضعیف خواهد کرد، از قاطعیت و پی گیری این مبارزه خواهد کاست وآن رابرای سازش، مستعدتر خواهد ساخت. برعکس تمایز طبقه کارگر، در نقش مبارز پیشگام راه دگرگونی های دموکراتیک، جنبش دموکراتیک ومبارزه در راه آزادی های سیاسی را قوت خواهد بخشید، زیرا طبقه کارگرتمام عناصر دیگر دموکراتیک ومخالفان سیاسی را به پیش خواهد راند. لیبرال هارابه سوی رادیکال های سیاسی وراد یکال هارا به سوی دمکراسی پیوند خواهد باتمام نظام سیاسی واجتماعی جامعه کوبش خواهد راند."

("وظایف سوسیال دموکرات های روسیه"، از انتشارات حزب توده ایران، ص ۱۲)

برای این که طبقه کارگر - این بزرگترین نیروی اجتماعی ایران - به صورت دیاله رو دیگرطبقات مخالف رژیم استبدادی وسلطنت مطلقه درنیاید، برای این که طبقه کارگر در دموکراتیسم دیگر طبقات مبارز حل نشود، برای این کارگران به صورت کانون انرژی جوشان واستخیز بدی مستحکم پی تزلزل پی جوشان جنبش ملی ودموکراتیک خلق های ایران در آید، برای این که پیشروی وقفه نیابد بر جنبش تحمیل شود وازسازش های نیمه راه، از سقط شدن زودرس جنبش آزادی جلوگیری گردد، راهی جز این باقی نیست که کارگران ایران فعالیت

www.iran-archive.com

برای سرنگونی استبداد سلطنتی و استقرار جمهوری ائتلافی ملی متحداً مبارزه کنیم!